

کلیات دیوانه

وحشی بافقی

به انضمام

شرح حال، معنی و اثر گان دشوار و ترکیبات
و برخی از اعلام و اشارات قرآنی



سرشناسه	: وحشی بافقی، کمال الدین، ۹۹۱-۹۳۹ ق.
عنوان و نام پدیدآور	: کلیات وحشی بافقی: به انضمام شرح حال، معنی واژگان دشوار و ترکیبات... به کوشش محمدحسین مجدم، کورش نسبی تهرانی.
مشخصات نشر	: تهران: زوآر، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: [۵۸۵] ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۱-۳۶۷-۶
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۵۸۵].
یادداشت	: واژه‌نامه.
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۰ ق.
شناسه افزوده	: مجدم، محمدحسین
شناسه افزوده	: نسبی تهرانی، کورش
رده‌بندی کنگره	: PIR ۶۱۵۵ ۱۳۸۸
رده‌بندی دیویی	: ۸۶۱ / ۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۶۸۸۸۶۸



انتشارات زوآر

- کلیات دیوان وحشی بافقی □
 - ویراسته / محمدحسین مجدم و کورش نسبی تهرانی □
 - حروفچین / م. افشانی □
 - صفحه‌آرایی و آماده‌سازی چاپ / شرکت قلم □
 - نوبت چاپ / اول - زمستان ۱۳۸۸ □
 - چاپ / دایره سفید □
 - شمارگان / ۱۶۵۰ نسخه □
 - شابک / ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۱-۳۶۷-۶ □
-
- تهران: خیابان انقلاب: خیابان دوازدهم فروردین: نبش شهیدنظری: پلاک ۲۷۸ □
- تلفن: ۰۲۵۰۳-۶۶۴۶ ۶۶۴۸۳۴۲۳-۶۶۴۸۳۴۲۴ نمابر: ۶۶۴۸۳۴۲۴ □

قیمت ۸۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۵	غزلیات
۱۳۳	قصاید
۲۱۷	ترکیبات
۲۴۹	ترجیعات
۲۵۷	قطعات
۲۷۱	رباعیات
۲۸۱	مثنویات
۳۰۹	خلد برین
۳۳۵	ناظر و منظور
۴۰۳	فرهاد و شیرین
۵۱۷	فرهنگ واژه ها
۵۶۵	فهرست اشعار

« شرح حال وحشی بافقی

مولانا کمال الدین (یا شمس الدین) محمد وحشی بافقی یکی از شاعران بزرگ و نام آور قرن دهم هجری است. دوران حیات او مصادف با پادشاهی تهماسب صفوی و شاه اسماعیل دوم و شاه محمد خدابنده بوده و اشعاری در مدح شاه تهماسب سروده است و در زمان جلوس شاه اسماعیل دوم ماده تاریخی ساخته است.

تقی الدین اوحدی بلیانی در «عرفات العاشقین» وی را مولانا کمال الدین محمد وحشی نامیده و عبدالنبی فخرالزمانی در کتاب «تذکره میخانه» وی را «شمس الدین محمد» خوانده است. با این که دو نویسنده همزمان با شاعر بوده اند اما درباره نام وی که یکی «شمس الدین محمد» و دیگری «کمال الدین» قید کرده اند اختلاف نظر دارند. اما تقریباً همه تذکره نویسان تخلص وی را «وحشی» می دانند.

سال زادن «وحشی» به درستی مشخص نیست اما با توجه به کتاب تذکره میخانه که می نویسد وحشی در پنجاه و دو سالگی زندگی را بدرود گفته و سال مرگ او را نیز از گفته ملا قطب شده وباف «بلبل گلزار معنی بسته لب = ۹۹۱» آورده است. بنابراین باید سال ولادت او ۹۳۹ باشد.

زادگاه وحشی «بافق» است و بافق هم از روستاهای یزد بوده و به «وحشی بافقی» معروف بوده است، اما در بعضی از تذکره ها وی را «وحشی کرمانی» نامیده اند.

آغاز حیاتش در زادگاه او سپری شد و در آن جا به غیر از برادرش «مرادی بافقی» در خدمت شرف الدین علی بافقی به کسب دانش و ادب پرداخت.

وی پس از آموختن مقدمات ادب، از بافق به یزد و سپس از آن جا به کاشان رفت و در شهر به مکتب داری پرداخت و پس از روزگاری دوباره به یزد بازگشت و تا آخر عمر در آن شهر به گوشه نشینی و سوزش و سازش روزگار گذرانید و برای گذران زندگی به ستایش از فرمانروایان یزد سرگرم شد و اشعاری در مدح آنان سرود.

درباره چگونگی مرگ وحشی سخنان گوناگونی گفته و نوشته شده است. تقی الدین اوحدی

بلیانی که همزمان با وحشی بوده در عرفات العاشقین به کوتاهی نوشته است که «وی عرق تندی نوشید و خلعت بقا پوشید» برخی دیگر نوشته‌اند که به دست معشوق بی‌مروت خود کشته شد. و آذر در آتشکده به کوتاهی نوشته است در مجلس باده پا به عالم بقا نهاده است.

و محمد مظفر حسین صبا در تذکره روز روشن آورده است که «وفاتش به مرض حمی محرقه... اتفاق افتاده است».

استاد دکتر ذبیح الله صفامی نویسد:

«وحشی بی‌تردید یکی از شاعران مبرز دوران صفوی است که به‌ویژه به سبب سبک خاص خود در سخنوری اهمیت دارد. ارزش او در آن است که مضمون‌ها و نکته‌های شاعرانه دقیق و همچنین احساس و عاطفه‌های رقیق و نازک خیالی‌ها و نازکدلی‌های خود را که بدان‌ها شهرت یافته، با زبانی بسیار ساده نزدیک به زبان مخاطب بیان می‌کند. و گاه چنان است که گویی سخن روزانه خود را می‌گوید. وی به جای زیاده روی در استفاده از اختیارات شاعری، سعی دارد اندیشه‌های لطیف خود را همراه با عواطف گرم با زبانی ساده و پر از صدق بازگوید تا بتواند به واقع بیان‌کننده سوزها و سازها و حال‌ها و رازهای خود باشد، و به همین سبب است که هم در طرز وقوع یکی از تواناترین شاعران عهد خود شد، و هم بی‌آن که عمدی داشته باشد. مثنوی‌ها و غزل‌های او پر از نکته‌های دلپذیر و مضمون‌ها و فکرهای تازه گردید و مخصوصاً غزل‌هایش چنان با احساس‌های حاد و سوزنده همراه شده که گاه به اخگرهایی سوزان شباهت یافته است.

در شعر وحشی تا آن جا که ممکن است از واژه‌های دشوار و ترکیب‌های عربی ناهموار خبری نیست و به جای آن از واژه‌ها و ترکیب‌های متداول زمان چنان که رسم اغلب شاعران عهد بوده، بسیار استفاده شده است. توجه به صفت‌ها و آرایش‌های لفظی نیز در آیین سخنوری وحشی ستوده نبود مگر آن که نسج کلام اقتضا کرده باشد، چنان که در سخن دیگر ساده‌گویان فارسی می‌بینیم».

(تاریخ ادبیات در ایران ج ۵، صص ۷۶۷-۷۶۸)

◀ آثار وحشی:

غزل‌ها: بخش مهم سروده‌های وحشی را غزل او تشکیل می‌دهد و اگر از شاهکار جاویدان او یعنی سرآغاز داستان «فرهاد و شیرین» و همچنین پاره‌ای از ترکیب بندهای او بگذریم، زیباترین

یادبودهای وحشی همان غزل‌های اوست که سرآمد شعرهای او را تشکیل می‌دهد چندان که بیشتر آن‌ها در صف اول اثرهای غنایی پارسی‌ست. در غالب آن‌ها احساس‌های تند شاعر و عاطفه حاد و تأثر و دردهای درونی او با زبانی شیوا و در عین حال ساده و روان به روشنی هر چه تمام‌تر دیده می‌شود. غزلیات او بالغ بر سیصد و نود و هفت غزل است.

قصیده‌ها: روی هم قصیده‌های وحشی بالغ بر چهل و یک قصیده است که بیشترین این قصیده‌ها در وصف غیاث الدین میر میران حاکم یزد بوده است. سایر ممدوحان او عبارت بوده‌اند از شاه طهماسب، شاهزاده خلیل الله (فرزند میر میران)، بکتاش بیک افشار (حکمران کرمانی) اعتماد الدوله عبدالله خان پسر میرزا سلطان وزیر... و پیشوایان دینی چون حضرت محمد (ص)، حضرت علی (ع) و امام هشتم و امام دوازدهم.

قطعه‌ها: قطعه‌های وحشی در موضوع‌های گوناگون مانند ستایش، دشنام، چستان، ماده تاریخ، سوگواری و چیزهای دیگر سروده شده است و شماره آن‌ها به چهل و چهار می‌رسد.

ترجیع بند: در دیوان وحشی تنها یک ترجیع بند آمده که دارای شانزده بند می‌باشد. این ترجیع بند ساقی‌نامه او را تشکیل می‌دهد که در نوع خود کم‌نظیر است و بعد از وحشی بر همان وزن و با همان مفهوم و نحوه بیان موضوع بارها مورد استقبال و جوابگویی شاعران عهد صفوی قرار گرفته است. (صفا، ص ۷۶۵)

ترکیب بندها: ترکیب بندهای وحشی از نظر زیبایی و سوزناکی جایی بس ارزشمند دارد و جایگاهی خاص در شعر غنایی فارسی دارد و از دل انگیزی و خوبی به درجه‌ای است که کمتر فارسی زبان شعردانی است که همه یا بخشی از آن را بر لوح ضمیر ننگاشته و در خاطر نگاه نداشته باشد. اگر چه وحشی در ساختن این نوع ترکیب‌ها مبتکر نیست ولی چنان دست بالای دست همه سازندگان این گونه شعر غنایی گذارده است که کمتر کسی جرأت استقبال و جوابگویی یافته و درین مرحله میدان را برای استاد باقی بازگذارده است.

دکتر ذبیح الله صفا می‌نویسد:

«این مسدس ترکیب‌ها و مربع ترکیب‌ها را ضمناً می‌توان از بهترین نمونه‌های مکتب وقوع در شعر پارسی دانست زیرا که نهایت قدرت شاعر در بیان دل‌باختگی و حالات دل‌دادگی خود و نیز توضیح ماجرای که میان او و معشوق در جریان کار بوده به کار رفته است و همین طرز زیبای وقوع

را هم شاعر در غزل‌های خود با چیره دستی به کار داشته است».

(تاریخ ادبیات در ایران ج ۵ ص ۷۶۶)

رباعی‌ها: مجموع رباعی‌های وحشی در دیوان روی هم شصت و شش رباعی (یکصد و سی و دو بیت) است.

مثنوی‌ها: مثنوی‌های وحشی شامل چهار بخش است:

۱- مثنوی‌های پراکنده - که شامل گله‌نامه، ستایش‌نامه، دشنام‌نامه، تاریخ بنای گرمابه و کنخ است. ستایش‌ها بیشتر درباره میرمیران، ولی سلطان، بکتاش بیک، قاسم بیک و عباس است، دشنام‌نامه‌ها درباره شاعر همزمان او یاری (کید) است.

۲- مثنوی خلد برین: وحشی این مثنوی را به پیروی از مخزن الاسرار نظامی در مسایل اخلاقی و عرفانی و در بحر سریع «مفتعلن مفتعلن فاعلان» سروده است. این مثنوی دارای شش روضه (در تاریخ ادبیات هشت روضه) است و هر روضه دارای تمثیلی شیرین و پندآموز است.

۳- مثنوی ناظر و منظور: داستانی عاشقانه بر وزن خسرو و شیرین نظامی در بحر هزج و بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» سروده و وحشی خود ماده تاریخی در پایان آن آورده است.

۴- فرهاد و شیرین: مثنوی فرهاد و شیرین از بهترین یادبودهای وحشی است که در زمان خود وحشی نیز دست به دست می‌گشته و دهان به دهان بازگو می‌شده و شهرت بسیار یافته است. این مثنوی نیز به استقبال مثنوی «خسرو و شیرین» نظامی در بحر هزج و بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» سروده شده است.

افسوس که او این داستان شورانگیز و دل‌نشین را نتوانست به پایان برد و بیش از ۱۰۷۰ بیت آن را نساخت که اجل مهلتش نداد و دوستان و پنجاه سال بعد از او، وصال شیرازی شاعر معروف سده سیزدهم هجری، دریغش آمد که این داستان دلکش ناتمام بماند و با افزودن ۱۲۵۱ بیت آن را به پایان رسانید. اما شاعری دیگر به نام صابر شیرازی بعد از وصال ۳۰۵ بیت بر آن افزوده و آن را به پایان رسانده است.